



# بعد از طلاق،

# سرپرستی اطفال با کیست؟



چنانکه سابقاً گفتیم جدائی زن و مرد بیش از خود آنها، بحرانی بزرگ بلکه فاجعه غیرمنتظره ای برای اطفال، پدید می آورد زیرا بچه ها غالباً بخصوص بچه های شیرخواره، که قادر بجمع و جور کردن خود نمی باشند، احتیاج بیشتری بحفظ و نگاهداری و تربیت و تشکل شخصیت و توازن روحی و جسمی خود دارند. و تا هنگامی که زن و شوهر در یک خانه با صمیمیت و مهربانی زندگی آرام و عادی خود را می گذرانند، بچه ها نیز همچون گل هائی، در محیط آرام، بر شد طبیعی خود، ادامه میدهند و بموقع، شکفته میگردد و استعداد های ذاتی و درونی خود را، بروز میدهند و اما اگر تندباد جدائی و طلاق، بمحیط خانواده راه یافت نونهالان باغ خانواده، طوفان زده شده، دچار ترس و لرز گردیده، اضطراب روحی و جسمی سختی پیدا میکنند. ناچار میبایست نظام خاصی، در اینحال

بحرانی، وجود داشته باشد تا بتوان اطفال را از آن، رهائی بخشید.

اسلام باندوین قوانینی دقیق و حکیمانه، بمسأله تربیت، و پرورش روح و جسم اطفال، از همان اوان انعقاد نطفه تا سن بلوغ بلکه تا هنگامیکه که اطفال در تشکل شخصیت و اداره زندگی آینده خویش، بی نیاز از دیگری باشند، اهمیت خاصی داده آنها به صورت ماده قانونی همه جانبه، در آورده است و فقهاء آنها در کتب فقه و حدیث، تحت عنوان «حضانت» مورد بحث قرار داده اند و فایده آن اینست که مصلحت طفل را باید در هر حال در نظر گرفت و عملی که موجب ضرر او، از لحاظ تربیت و نگاهداری و پرورش روح و جسم وی، باشد انجام نداد چنانکه خداوند در قرآن مجید پدر و مادر دستور میدهد: «هیچ مادر و پدری بفرزند خود نباید ضرری وارد آورد». (۱)

چنانکه سابقاً گفتیم جدائی زن و مرد بیش از خود آنها، بحرانی بزرگ بلکه فاجعه غیرمنتظره ای برای اطفال، پدید می آورد زیرا بچه ها غالباً بخصوص بچه های شیرخواره، که قادر بجمع و جور کردن خود نمی باشند، احتیاج بیشتری بحفظ و نگاهداری و تربیت و تشکل شخصیت و توازن روحی و جسمی خود دارند. و تا هنگامی که زن و شوهر در یک خانه با صمیمیت و مهربانی زندگی آرام و عادی خود را می گذرانند، بچه ها نیز همچون گل هائی، در محیط آرام، بر شد طبیعی خود، ادامه میدهند و بموقع، شکفته میگردد و استعداد های ذاتی و درونی خود را، بروز میدهند و اما اگر تندباد جدائی و طلاق، بمحیط خانواده راه یافت نونهالان باغ خانواده، طوفان زده شده، دچار ترس و لرز گردیده، اضطراب روحی و جسمی سختی پیدا میکنند. ناچار میبایست نظام خاصی، در اینحال

۱- لاتضار والدة بولدها ولامولودله بولده

خواستار اجرت بیش از حد متعارف گردید، اسلام در مقابل آن، این حق را بپدران، داده است که طفل شیرخواره را بکسی واگذار کند که اجرت معمولی وعادی، در مقابل شیردادن، دریافت میدارد.

امام صادق (ع) فرمود: بعد از وضع حمل، بر- مرد، لازمست (علاوه بر تأمین هزینه معمولی طفل)، اجرت نگاهداری و شیردادن طفل را، بمادر او (در صورتیکه آنرا طلب کند)، پردازد تا او را از شیر برگیرد (۲)

چنانکه مشاهده میکنید اولین قانون صریح اسلام، در مورد طفل، بعد از طلاق اینست که مادر، نسبت به نگاهداری و شیردادن طفل و... «**احق**» از دیگران است حتی از پدر طفل نیز در این حال، سزاوارتر است. پرواضح است این قانون، عادلانهترین قانونی است که میتوان در زمینه طفل شیرخوار، باملاحظه حقوق مشروع پدر و مادر، تصور نمود زیرا طفل شیر- خواریش از هر چیز احتیاج بر شد بدنی و قوای مغزی، دارد و شیر هیچ زنی، غیر از شیر مادرش مناسب با بدن و ساختمان وجودی او، نیست و تحقیقات علماء و دانشمندان که در جای خود ذکر شده است مؤید این گفتار است از اینرو فقهاء شیردادن مادر به نوزاد را بعد از تولد، حداقل يك مرتبه، امری لازم و واجب، میدانند.

\* \* \*

حال اگر مردی زن خود را در حال بارداری طلاق داد، اسلام دستور میدهد تا وقتی که زن وضع حمل نکرده است پدر باید مخارج مورد احتیاج بچه را از هر قبیل که باشد، فراهم سازد.

بدیهی است که این قانون، در تأمین سلامت و کیفیت رشد جنین و در نتیجه سعادت و نیکبختی فرزند، تأثیر بسزائی دارد امام صادق (ع) فرمود: «**هنگامی که مردی زن خود را طلاق داد در حالیکه او باردار است باید هزینههای (لازم) او را (از هر قبیل که باشد)، پردازد تا او، وضع حمل نماید**» (۱)

و بعد از تولد نیز، مخارج بچههای خود را، تا بسن بلوغ نرسیده و مستقل نشده باشند، پردازد و حتی مادر طفل، اگر تقاضای اجرت برای شیردادن و غیر آن بنماید بایستی آنرا نیز بدهد.

معلوم است که اسلام در این کار، تنها مصلحت فرزندان یگانه را در نظر گرفته بخاطر ادامه رشد طبیعی آنان، بمادری که در این مورد زحمت میکشد و متحمل مشقات میگردد، گرفتن اجرت را جایز و تأمین مخارج او را جزو وظائف مرد، میشناسد.

و در عین حال، اسلام، اجحاف بمرد در پرداختن اجرت شیردادن و غیر آن را نیز جایز نمی داند؛ حال اگر زنی از موقعیت خود، سوءاستفاده کرد و بعنوان اینکه مادر طفل است و مخارج طفل هر چه باشد بمهره مرد است، تحمیل فوق العاده بر بودجه مالی او نموده،

۱- اذا طلق الرجل المرأة وهي حبلی انفق علیها حتی تضع حملها (وسائل باب احکام الاولاد - باب

۸۲ حدیث ۶)

۲- اذا وضعته اعطاها اجرها ولا يضارها الا ان يجدمن هو ارض اجرامتها، فان هی رضیت بذلك الاجرفهی

احق بابها حتی نقطمه

تحت تأثیر خود قرار میدهد بطوریکه غالباً برای طفل مشکل است از مادر کافری که او را در دامان خود، قرارداده، او را شیر داده است تبعیت نکند و روحیه و عقیده او را پذیرا نشود.

### دوران بعد از شیر خواری

در این دوره تا هفت سالگی، مادر، در نگاهداری و مواظبت و رسیدگی فرزند خود، اگر دختر باشد سزاوارتر از پسر و یا هر کس دیگری است زیرا سنگ تربیت دختر بمقتضای وظایف خاص آینده خود، با سنگ تربیت پسر، از جهاتی فرق دارد و این کار از عهده پدر خارج است و انگهی پدر با وجود گرفتاریهای خارج از خانه، کمتر می تواند باینکار که احتیاج بقریحه خاصی دارد بپردازد.

یکی از اصحاب امام صادق (ع) به آنحضرت نامه ای نوشته، این سؤال را مطرح ساخت: من زنی داشتم و او را طلاق دادم و از او فرزندی دارم، او را بچه کسی بسپارم؟ حضرت در پاسخ نوشت: زن، تا سن هفت سالگی (در نگاهداری و تربیت و پرورش آن) مقدم بر دیگران است.

جماعتی از فقهاء این روایت را بجهت متعارض بودن بایرخی از روایات دیگر که حق حضانت پدر را در این دوره، بر حضانت مادر ترجیح داده اند، حمل بر حضانت دختر کرده اند تا منافاتی در میان اخبار نباشد.

از اینرو فقهاء شیعه و اهل تسنن همگی، در این حکم اتفاق نظر دارند (۱) که حق نگاهداری پسر بعد از

فقهاء برای این «اولویت» شرائطی ذکر کرده اند از جمله اینکه زن، عاقل و حراً باشد حال اگر زن، عقل درستی نداشته باشد، مسلماً نمی تواند بوظائف مادری و انسانی خود، در این مورد، اقدام نماید و لذا اولویت در نگاهداری و شیر دادن در این حال، از او سلب می شود و وظیفه پدر است که از راه دلسوزی و مهربانی، طریق عاقلانه دیگری برای او در نظر بگیرد و او را از بلا تکلیفی، نجات دهد.

یکی دیگر از شرائط حضانت مادر، اینست که اگر او بعد از طلاق گرفتن با مرد دیگری ازدواج کند، اسلام حق حضانت را از او سلب کرده است زیرا انجام وظائف شوهرداری غالباً، مانع از اینست که بیشتر بوضع بچه برسد و در نتیجه ضرری متوجه بچه می گردد.

\* \* \*

اسلام در این قانون تنها به جنبه نگاهداری و سلامت جسم و آرامش روحی طفل، اهمیت نمی دهد بلکه بجهت دینی و عقیدتی او نیز، اهمیت فوق العاده میدهد بطوریکه اگر بین این دو، تضادی در موردی پیش آید، سلامت روحی و عقیدتی او را بر سلامت جسم و آرامش روح، مقدم میدارد چنانکه در روایات معتبر وارد است که اگر زنی کافر باشد و از شوهر خود طلاق بگیرد و مرد، مسلمان باشد حق حضانت ولو در ایام شیر خواری از او سلب میگردد - سر آن نیز بر خوانندگان پوشیده نیست زیرا شیر مادر در کیفیت پرورش فکر و روح و جسم، تأثیر زیادی دارد و طفل را

۱- چنانکه شهید اول در لعمه و سایر کتب فقهی خود چنین می نویسد: «والاب احق بالذکر (بعد فاصله)

الی البلوغ (واحق) بالانثی بعد السبع».

دوران شیرخوارگی و دختر بعد از ۷ سال که تحت سرپرستی مستقیم مادر بود، پدر منتقل میگردد و پدر علاوه بر تأمین معاش و هزینه زندگی آنها، بتعلیم و تربیت اوهمت می‌گمارد و نظر حکیمانه اسلام در این مورد نیز پرواضح است زیرا پسربعد از دوران شیر-خوارگی و دختر بعد از هفت سالگی که این دو، در این دوران نیاز شدیدی ب مادر داشتند و این کار، از پدر ساخته نبود، بتدریج که جسم آنها رشد پیدامیکند، آگاهی شان باجهان اطراف خود رفته رفته زیادتر میگردد و وابستگی آنها پدراز لحاظ راهنمایی و ایجاد وسائل تعلیم و تربیت و غیر آن بیشتر می‌شود و پدراگر بوظائف خود چنانکه باید، عمل کند می-تواند نیازمندیهای جسمی و روحی او را برآورده، و وسائل تحصیل و تربیت آنان را کاملاً فراهم آورد. بدیهی است زن معمولاً چنین اقتداری رانداشته‌واز عهدۀ اینکار، چندان بر نمی‌آید از اینجهت سرپرستی آنها در این سن و سال، بمهدۀ مرد گذاشته شده است. حال اگر فرض کنیم مرد در قید حیات نبود و یا

شرایط سرپرستی را دارا نباشد چه کسی باید متصدی این کار بشود؟

فقهاء مطابق روایات معتبر وارده، تصریح کرده‌اند که مادرفرزند از سایرین، حتی ازوصی مرد نیز، مقدم بوده عهدۀ دار رسیدگی بامور مربوط باطفال می‌شود زیرا آشنائی او بروحیات فرزندش و دلسوزی و مهربانی وی نسبت باوطباً چنین اقتضائی را دارد.

و اگر پدر و مادر هر دو، از دنیا رفته باشند اسلام در

این حال نیز از وضع کودکان بیگناه، غافل نبوده، بموجب

آیه شریفه: **اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض**

**فی کتاب الله** بعهده و ابستگان و خویشان نزدیک

آنها گذاشته میشود یعنی هم چنانکه در تقسیم اموال

میت که مسأله مهم مالی است اسلام **قاعده الاقرب**

**فالاقرب** را مقرر داشته است، در مورد سرپرستی

کودکانی که دومصیبت بزرگ متوجه آنان شده است

یکی جدائی پدر و مادرشان و دیگری از دنیا رفتن

آنها، همان قاعده را معمول داشته تایی سرپرست و

بلا تکلیف باقی نمانند.

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**أَنْظُرْ فِي آيِ نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعُرْقَ دَسَانُ**

هنگام ازدواج توجه کن که فرزند خود را کجا قرار می‌دهی زیرا صفات جسمی

و روحی (از طریق نطفه) قابل انتقال است.

نهج البلاغه حدیث ۵۶۴